

پیاده‌روی زیارت اربعین: از اتوپیا و ایدئولوژی تا هتروتوپیا*

جبار رحمانی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶)

چکیده

پیاده‌روی زیارت اربعین یکی از پدیده‌های بزرگی است که در سالهای اخیر در جهان شیعی رواج یافته و منجر به تحول گسترده‌ای در سیاست‌های آیینی در جامعه ایران شده است. در دهه اخیر شاهد روند بسیار سریع رشد مشارکت مردم در این آیین را شاهد هستیم، به همین سبب، از یکسو توسط حکومت به یکی از نقاط کلیدی نمایش موفقیت‌ها و مشروعیت آن تبدیل شده و از سوی دیگر از جانب منتقدان به عرصه‌ای برای نقدهای اقتصاد سیاسی دین در ایران بدل شده است. از این رو چالشی عمیق میان روایت‌های مختلف در تحلیل و ارزیابی این پدیده در رسانه‌های علمی و عمومی کشور جاری است.

در این مقاله تلاش شده با توجه به تجربه‌های زیسته و مشارکت در همایش‌ها و نشست‌های مختلف درباره این آیین و همچنین بررسی همه مقالات علمی فارسی در این باره و رجوع به سایر منابع مکتوب موجود، به الگوهای اصلی بازنمایی این رویداد آیینی پرداخته شود. برای این کار از مفاهیم اتوپیا، ایدئولوژی و هترتوپیا استفاده شده است.

نتایج این پژوهش بر آنست که دو گفتمان اصلی و غالب را می‌توان مورد بازشناسی قرار داد: گفتمانی که می‌توان آن را متعلق به جبهه انقلاب و معتقدان به انقلاب اسلامی و حکومت دانست. این گفتمان تلاش کرده در این واقعه، اتوپیاها و آرمانهای خودش را جستجو کند و در نهایت با نوعی شبیه سازی ضمنی میان آن اتوپیا و مدعیات گفتمان حکومتی در ایران از آن به مثابه ایدئولوژی برای مشروعیت بخشی به این نظم سیاسی استفاده کند و نشان بدهد این آیین بزرگ دقیقاً در امتداد گفتمان انقلاب اسلامی (یا موازی با آن) است. از سوی دیگر، منتقدان با نگاهی وارونه سعی دارند همه دستکاری‌های سیاسی در واقعیت‌ها را در نمونه این آیین نشان بدهند و ناکارآمدی‌های بنیادین نظم سیاسی را از خلال آن به نقد بکشند. به همین سبب آن را به مثابه هترتوپایی برای نقد وضع موجود در نظر گرفته‌اند. هرچند گفتمان‌های فرعی دیگری نیز می‌توان در کنار این دو گفتمان اصلی مطرح کرد. اما آنها بازنمایی رسانه‌ای خاصی نداشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: پیاده‌روی اربعین؛ زیارت اربعین؛ اتوپیا، ایدئولوژی، هترتوپیا؛ سیاست ایران.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2023.563345.1733>

* مقاله علمی: پژوهشی

rahmani@iscs.ac.ir

^۱ دانشیار مردم شناسی، موسسه مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، ایران.

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره شانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۷۶-۵۵

مقدمه؛ اربعین و نزاع روایت‌ها

آیین پیاده‌روی زیارت اربعین، طی دهه اخیر به یکی از مهمترین آیین‌های شیعی در بستر میان فرهنگی دنیای کنونی بدل شده است. حضور ۱۵ الی ۲۰ میلیون زائر در یک بازه ده روزه، حاوی دلالت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی وسیعی در زیست جهان فردی و جمعی شیعیان است. شیعیان برای اولین بار توانسته‌اند یک آیین بزرگ فراملی در یک دوره زمانی مشخص و با حضور زائرانی از کشورهای مختلف داشته باشند. به عبارتی دیگر این آیین، مهمترین اجتماع میان فرهنگی و بین‌المللی شیعی در تاریخ این مذهب است لذا شناخت آن به عنوان دریچه‌ای برای شناخت اجتماعات شیعی در دنیای کنونی، بسیار مهم است. به همین سبب فهم این آیین بزرگ از جنبه‌های مختلف بسیار اهمیت دارد. در این نوشتار تلاش خواهیم کرد به واکاوی بخشی از تحلیل‌های اصحاب علوم اجتماعی ایران در این خصوص بپردازیم. آنچه که این روزها در فضاهای مختلف مجازی و واقعی در قالب تحلیل کلیت رویداد پیاده‌روی زیارت اربعین و همچنین ابعاد و دلالت‌های آن گفته می‌شود، بسیار مهم است. برگزاری مجموعه وسیعی از همایش‌ها و نشست‌ها و برنامه‌های علمی و غیر علمی در باب اربعین دال بر اهمیت این پدیده در مناسبات جهان اجتماعی موجود در میان ایرانیان و نظام‌های سیاسی و نهادهای مذهبی آنهاست.

مساله اصلی آنست که گفتارهای توصیفی و تحلیلی اصحاب علوم اجتماعی در باب این پدیده بزرگ را چگونه می‌توان فهمید؟ چه طبقه بندی یا الگوی معناداری برای فهم آنها از این آیین بزرگ می‌توان ترسیم کرد؟ و آنها چه دلالتی برای زمینه‌های پیشینی راویان این روایت‌ها دارند؟ برای تحلیل و طبقه بندی گفتارهای اصحاب علوم اجتماعی در باب آیین پیاده‌روی اربعین، من بر سه مفهوم کلیدی تاکید خواهم داشت: اتوپیا، ایدئولوژی و هترتوپیا.

مفاهیم اتوپیا و ایدئولوژی

در علوم اجتماعی و مباحث جامعه‌شناسی معرفت، یکی از مهمترین نظریه پردازان این عرصه، کارل مانهایم است که در این نوشتار، دیدگاه‌های او در باب اتوپیا و ایدئولوژی، مبنای بحث خواهد بود. مانهایم تحت تأثیر اندیشه‌های مارکس و همچنین هگل و دیلتای بود. کتاب ایدئولوژی و اتوپیا در دوره اوج نفوذ مارکسیسم در بین سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ به صورت مقالاتی نگاشته شد. از نظر مانهایم آگاهی انسان تحت تأثیر پایگاه اجتماعی او قرار دارد. به نظر او در مقابل ایده‌هایی که با نظم جاری تناسب و توافق ندارند و از حد واقعیت فراتر می‌روند، ایده‌هایی هم

وجود دارند که سازگار با موقعیت موجود عمل می‌کنند. به گفته مانهایم، نظام عملاً موجود، توپیا^۱ نامیده می‌شود و درمقابل، ایده‌هایی که با شرایط موجود سازگار نیستند و از موقعیت موجود فراتر می‌روند، ممکن است ایدئولوژی یا اتوپیا باشند. به زبان مانهایم ایدئولوژیها، ایده‌هایی‌اند فراتر از موقعیت که به صورت بالفعل در تحقق مضامین و محتویات موردنظر، توفیق نمی‌یابند (مانهایم، ۱۳۸۰: ۲۶۰-۲۵۸؛ راودراد، ۱۳۷۶). مانهایم درباره اتوپیا معتقد است که هرگاه درباره اتوپیا سخن می‌گوییم، این واژه را صرفاً در مفهومی نسبی به کار می‌بریم و منظور از آن اتوپیایی است که فقط از دیدگاه نظام اجتماعی معینی که هنوز موجود است، تحقق ناپذیر به نظر می‌آید (همان: ۲۶۲). به این ترتیب، توپیا در سیر تاریخ همواره از طریق تحولات انقلابی به اتوپیا تبدیل می‌شود. توپیا یا نظام مستقر و موجود، فقط پسماندهای پلشت است که بر اثر فرونشینی اتوپیاها و انقلابها برجای می‌ماند. ازاینرو، راه تاریخ به صورت جریان متناوبی است از سیر تبدیل توپیا به اتوپیا و از آنجا به توپیی بعدی و بر همین قیاس (همان: ۲۶۴).

نکته کلیدی آنست که اتوپیا هرچند ریشه در واقعیت دارد اما در واقع از آن فراتر رفته و ایده‌ها و الگوهایی را برای ما ترسیم می‌کند. **ما در اتوپیا با واقعیت تخیل شده مواجه هستیم نه واقعیت جاری.** از منظر مانهایم، ایدئولوژی، مجموعه ایده‌ها یا آرمانهایی است که فعالیتها را درجهت حفظ وضع موجود، رهبری می‌کند و اتوپیا مجموعه ایده‌ها یا آرمانهایی است که موجب پدید آمدن فعالیت‌هایی درجهت تغییر نظم رایج می‌شود. از نظر مانهایم شیوه روشمند توجه به عنصر ایدئولوژیک در اندیشه، کاری جامعه‌شناسانه است و این کار را پرده دری از ایدئولوژی می‌نامد (همان: ۱۰۷). مفهوم اتوپیا، بازتابی از تبعات مبارزه سیاسی است، بدین معنا که بعضی گروه‌های تحت ستم، چنان خود را از لحاظ فکری در انهدام و دگرگونی وضعیت مفروض جامعه ذینفع می‌یابند که به‌طور ناخواسته فقط عناصری از آن وضعیت را که حکایت از نفی آن است، مشاهده می‌نمایند.

هتروتوپیا

مفهوم هتروتوپیا در کنار توپیا، اتوپیا و ایدئولوژی، بیانگر نسبت‌های مختلفی با واقعیت موجود و مسلط است. این مفهوم را فوکو مطرح کرده، البته هیچ شرح کاملی از آن ارائه نکرده است و به

^۱ topia

همین سبب نوعی تنوع در تفسیر آن و حتی گاه تعارض‌هایی میان این تفاسیر وجود دارد. مساله هتروتوپیا دال بر اهمیت فضا و چیدمان در فهم امور است. فوکو برای توضیح پدیده‌ها از این مفهوم استفاده می‌کند. **هتروتوپیا** مفهومی است که برای توصیف برخی فضاها، نهادی و گفتمانی که به نوعی «دیگری» محسوب می‌شوند؛ استفاده می‌شود: فضاها، مشوش کننده، پرتاثیر، نامنطبق، متناقض یا تغییردهنده. هتروتوپیاها جهان‌هایی درون جهان‌های دیگر هستند که چیزهای بیرونی را بازتاب می‌دهند و آشفته می‌کنند. (دریغوس و رابینو ۱۳۸۲). فوکو در توضیح این مفهوم و مساله چیدمان‌ها می‌نویسد: «در میان تمام چیدمان‌ها، مواردی وجود دارند که به تمام چیدمان‌های دیگر به شکل عجیبی وصل می‌شوند. این اتصال به‌شکلی است که مجموعه روابطی که در دیگر چیدمان‌ها تعیین و بازنمایی شده و بازتاب یافته را معلق، خنثی یا معکوس می‌کند...» (فوکو ۱۳۸۵). بدین ترتیب، فوکو دوباره بر این نکته تأکید می‌کند که چنین چیدمان‌هایی «احتمالاً در هر فرهنگ و تمدنی» وجود دارند. این فضاها همچون اتوپیاها، بواسطه‌ی نمایش دادن و همچنین وارونه کردن فضاها، دیگر با آن‌ها مرتبط می‌شوند. هتروتوپیا از این بابت اهمیت دارد که چگونه قدرت، نظم، انضباط و دانش از طریق شکل‌های نهادی در فضاهایی خاص عیان می‌شود؛ چراکه این فضاها به‌طور هم‌زمان هم بازتاب‌دهنده و هم به‌چالش‌کشانده آنها هستند و توأمان، وظیفه شکل‌دادن و ضابطه‌مند کردن رفتار را بر عهده دارند (فوکو، ۱۹۸۶: ۲۴). به نقل از کیانی و شایگان فر (۱۴۰۱). من در ادامه این نگاه فوکو، هتروتوپیا را به مثابه فضایی می‌دانم که از آن برای آشکار کردن ساز و کار واقعیت قدرت استفاده می‌شود. از این منظر می‌توان هتروتوپیا را جایی برای آشکار سازی قواعد واقعیت، برخلاف مدعیات ظاهری منسوب به آن دانست.

چشم انداز روش شناختی: مردم نگاری در بستر سیال آیین

این مقاله از نظر روش شناسی، مبتنی بر پارادیم روش مردم‌نگاری است. مردم نگاری به معنای فهم مبتنی بر تجربه زیسته از پدیده هاست که عنصر مورد بررسی را در بطن زمینه و بستر تولید آن تحلیل می‌کند. (انگروزینو، ۱۳۹۷) مردم‌نگاری از این منظر، تلاش می‌کند نشان دهد چگونه پدیده‌های مورد بررسی از خلال شبکه‌ای از موقعیت‌های اجتماعی و فضاهای فرهنگی و در تعاملات میان کنشگران بر ساخته می‌شوند. با توجه به داده‌های اصلی، این مقاله مبتنی بر گفتارها (در قالب گفتار شفاهی یا نوشتاری) و تجربه زیسته از فضاهای گفتگو حول پدیده اربعین می‌باشد.

مردم نگاری به من کمک می‌کند از داده‌های پیرامونی حاصل از تجربه‌های زیسته مشترک با گویندگان این گفتارها برای فهم لایه‌های معنایی آنها استفاده کنم. لذا برای تفسیر نوشتارها و گفتارهای کنشگران صرفاً به متن مکتوب یا فایل صوتی آنها رجوع نمی‌کنم، بلکه تجربه زیسته و دانش ضمنی از محیط فرهنگی و فضای اجتماعی و ابعاد شخصیتی محققان مورد نظر را نیز مبنا قرار می‌دهم. لذا هرچند ممکن است داده‌های زیادی از بستر و دانش پیرامونی گفتارها در متن دیده نشود اما من، برای تفسیر داده‌ها قطعاً بر این تجربه‌های زیسته نیز تاکید داشته‌ام. برای این منظور بیش از همه سعی می‌کنم در فضای اصحاب علوم اجتماعی و انسانی این مساله را مورد بررسی قرار دهم. از این منظر دو گروه عمده از میان اصحاب علوم اجتماعی و انسانی ایرانی در این زمینه قابل بازشناسی هستند و معیار این بازشناسی نه پارادایم نظریه اجتماعی و فرهنگی آنها، بلکه ایدئولوژی سیاسی و مذهبی آنهاست، بر این مبنا گروه اول بخشی از جامعه‌شناسان هستند که در گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک می‌توان آنها را اصولگرا دانست. دسته دوم، گروهی از اصحاب علوم اجتماعی هستند که ذیل جریان‌های اصلاح طلب و نواندیشی دینی و گاه جریان‌های انتقادی، قابل بازشناسی و بازتعریف می‌باشند، البته می‌توان گروه‌های متعددی را هم در نظر گرفت که اصولاً وارد این مناقشه نمی‌شوند، گروه‌هایی که در سکوت خودشان نه برای تایید این مساله بلکه در نقدی بنیادین، آن را به خاطر شرایط جامعه ایران، قابل گفتگو ندانسته و این سکوتشان را می‌توان به معنای یک نفی بنیادین نسبت به این موضوع در نظر گرفت.

نگاهی به این تقسیم بندی به خوبی نشان می‌دهد که مساله و دال محوری، موقعیت و نسبت سیاسی و ایدئولوژیک آنها بالاخص با حاکمیت است. به همین دلیل ما با موقعیتی ضمنی از دانش و قدرت حاکم مواجه هستیم. برای جمع آوری اطلاعات، علاوه بر مشاهده کانالهای دانشگاهی مطالعات اربعین، به چکیده مقالات پنجمین همایش بین المللی اربعین در دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۴۰۱ و همچنین سخنرانی‌ها و گزارش‌های ارائه شده در چند نشست^۱ و مهمتر از همه امتداد این گفتمان‌های سیاسی در محتوای مقالات علمی در مجلات علمی -

^۱ در دو نشست حضور داشته و از فایل های صوتی سه نشست استفاده کرده‌ام. فهرست نشست‌هایی که در آنها حضور داشته‌ام:

- ۱- نشست پیاده روی اربعین و بازشناسی هویت شیعی؛ ۲۰ شهریور ۱۴۰۱. با حضور رضا غلامی، مهدی حسین زاده، جبار رحمانی؛ موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۲- نشست آیین های مذهبی در ایران معاصر؛ با حضور جبار رحمانی و محمدتقی کرمی؛ هشت شهریور ۱۴۰۱. مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور.

پژوهشی ایرانی رجوع کرده ام. وجه غالب کمی و کیفی گفتارها و روایت‌ها از اربعین، روایتی است که اصحاب علوم اجتماعی اسلامی یا علوم اجتماعی منتقد غرب تولید کرده‌اند.

بستر کلی رویداد پیاده‌روی زیارت اربعین

پیاده‌روی اربعین یک مراسم و گردهمایی مذهبی است که توسط مسلمانان شیعه و به صورت پیمودن راه به صورت پیاده از مسیرهای منتهی به کربلا به منظور زیارت و جمع شدن همه آن‌ها در چهلمین روز پس از کشته شدن حسین بن علی، در نبرد کربلا انجام می‌شود. این مراسم از بزرگ‌ترین اجتماعات مسالمت آمیز جهان و از سال ۱۳۹۴ به بزرگ‌ترین پیاده‌روی (پیمایش) و گردهمایی عمومی سالانه در جهان تبدیل شده‌است (مظاهری، ۱۳۹۵)

با سقوط رژیم بعثی و صدام، شیعیان فرصت دوباره‌ای برای توسعه آیین‌ها و حیات دینی خودشان پیدا کردند. فارغ از آنکه منشا تاریخی این آیین چه باشد، در میان شیعیان، باوری درباب اهمیت این آیین و انتساب آن به دوران ائمه وجود دارد که حسب گفتارهایی که دستگاه‌ها و نهادهای دینی بر سر منبرها و در رسانه‌ها گفته‌اند به تدریج به یک آیین کلیدی شیعی بدل شد و مهمترین پیامد این گفتارهای دینی حول آیین پیاده‌روی بود که رفتن و مشارکت در آن، به یک تعهد دینی بدل شد. به گونه‌ای که معجزات و کرامات بسیاری برای آن ترسیم شد (ر.ک. سخنرانی علیرضا پناهیان^۱) از این منظر، اربعین منادی جهانی دیگر بود که نیروی امر قدسی شیعی در آن بیشترین میزان سیلان را داشت (معینی پور ۱۳۹۸). در این دیدگاه، اربعین یک آیین فرعی شیعی معرفی نشده، بلکه آیینی کلیدی است که بر حسب شرایط جامعه ایرانی به یک آیین محوری شیعی بدل شده که حکومت ایران با همه قوا در پی حمایت آن است. هرچند هیچ وقت گزارشی از هزینه‌های حکومت ایران برای این آیین منتشر نشده، اما می‌توان حدس زد که هزینه‌های بسیاری از طریق نهادهایی مانند بنیادها، وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها و حتی نهادهای مدنی مانند هیات‌ها برای اجرای آن صرف شده است. در نتیجه ما با آیینی بزرگ مواجه هستیم به گونه‌ای که به ندرت می‌توان رویدادی را یافت که تمام ساز و برگ بوروکراتیک و ایدئولوژیک حکومت در خدمت آن باشد. خبرگزاری ایسنا شرح مفصلی از این سازوگرهای حکومتی برای حمایت از برگزاری این آیین ارائه کرده است^۲. در سال ۱۴۰۱

^۱ پیاده‌روی اربعین- سخنرانی استاد پناهیان- ۴ مهر- ۱۴۰۰ https://www.aparat.com/v/IJYms/۱۴۰۰_۴_مهر

^۲ چگونه- پشتیبانی- شدند- DB%B0۲%Zاثران- اربعین- <https://www.isna.ir/news/1402061308780/۱۴%DB%B0۲%Zاثران-اربعین->

بیش از دو میلیون و دویست هزار نفر و در سال ۱۴۰۲ به روایتی تا سه و نیم میلیون زائر در این آیین شرکت کرده اند، اگر میانگین هزینه‌های رفت و آمد هر زائر را ۴ میلیون تومان بدانیم، می‌بینیم که صرفاً هزینه رفت و آمد این زائران ایرانی یک اقتصاد نسبتاً بزرگی را در مدت ده روز الی دو هفته بطور متراکم ایجاد می‌کند. قطعاً این اقتصاد سیاسی، امکان گسترش همه جانبه این آیین را فراهم کرده است. جدول ۱ مقایسه تعداد زائران اربعین ۱۴۰۱ در کربلا را با سال‌های گذشته نشان می‌دهد:

جدول ۱. تعداد زائران اربعین در سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲^۱

تعداد زائران اربعین (نفر)	سال
۲۲,۰۱۹,۴۶	۱۴۰۲
۲۱,۱۹۸,۶۴۰	۱۴۴۴ هجری قمری / ۱۴۰۱ شمسی
۱۶,۳۲۷,۵۴۲	۱۴۴۳ هجری قمری / ۱۴۰۰
۱۴,۵۵۳,۳۰۸	۱۴۴۲ هجری قمری / ۱۳۹۹
۱۵,۲۲۹,۹۵۵	۱۴۴۱ هجری قمری / ۱۳۹۸
۱۵,۳۲۲,۹۴۹	۱۴۴۰ هجری قمری / ۱۳۹۷
۱۳,۸۷۴,۸۱۸	۱۴۳۹ هجری قمری / ۱۳۹۶
۱۱,۲۱۰,۳۶۷	۱۴۳۸ هجری قمری / ۱۳۹۵

روایت متخصصان علوم اجتماعی جبهه انقلاب اسلامی درباره زیارت پیاده‌روی اربعین

همانطور که گفته شد بحث اصلی من در باب نحوه گفتارهای متخصصان علوم اجتماعی و انسانی است که پیوند وثیقی با گفتمان انقلاب اسلامی دارند و از نظر ارزشی، خودشان را در منطقی اصولگرایانه در این گفتمان تعریف می‌کنند و از این دریچه به نقد ایران امروز و دولت‌ها و حتی جهان غرب می‌پردازند. لذا فارغ از محتوای فکری شان، آنها نسبت عمیقی با نهادهای انقلابی و ساختار قدرت حکومت در ایران دارند. در گفتارهای این گروه، مفهوم مرکزی، انقلاب اسلامی (به مثابه ریشه) و تمدن نوین اسلامی (به مثابه محصول آینده) است که بسیار هم تکرار می‌شود. به همین دلیل از تفکیک نظام انقلابی و دولت‌های جمهوری در ایران برای تفکیک آرمان‌ها و ارزشهای

^۱ <https://www.isna.ir/news/1401062619367> تعداد-زائران-اربعین-اعلام-شد

شان از واقعیت جاری دولت‌ها استفاده می‌کنند. پایگاه اصلی این گروه نه در نهادهای مدرن بلکه در ساختار مرکزی و هسته سخت نظام سیاسی ایران (آنچه نهادهای حکومتی نامیده می‌شود) است. نکته کلیدی برای فهم آیین اربعین و نوع روایتی که این گروه از اصحاب علوم اجتماعی اسلامی دارند آنست که نمی‌توان یک دلالت یکسان و ثابتی برای آن در نظر گرفت. بلکه بسته به محیطی که به آن وارد می‌شود و بسته به چشم‌انداز مخاطبان آن روایت و نوع رابطه بین چشم‌انداز مولد روایت و چشم‌انداز مخاطب روایت، معنای خاص خودش را پیدا می‌کند. مفروض اصلی این روایت‌ها، منحصر بفرد بودن آیین اربعین است که تقریباً در همه نوشته‌ها دیده می‌شود به عنوان مثال در مقالاتی با این مفروض، چنین عبارتهایی را بسیار می‌توان دید: «پیاده‌روی اربعین به عنوان دروازه و مدخلی برای تمدن نوین اسلامی است... هر ساله بخشی از جامعه آرمانی و تمدن نوین اسلامی را به نمایش می‌گذارد و کارآمدی آموزه‌های دینی و وحیانی را اثبات می‌کند.» (افتخاری ۱۳۹۸) یا: «پدیده اربعین موجب تحیر جهانیان گشته و یک فرصت و سرمایه عظیم برای جهان اسلام است» (عربی، ۱۳۹۸). در همه این نوع روایت‌ها، اربعین، پدیده‌ای خاص و منحصر به فرد شیعی است که ما به ازایی در هیچ جهان فرهنگی دیگری ندارد و همین هم نشانه حقانیت آن است.

دو محور کلیدی تعیین کننده دلالت این روایت‌ها در جبهه انقلاب اسلامی: خودی/غیرخودی و حال/آینده

مساله اصلی در فهم روایت متفکران جبهه انقلاب اسلامی آنست که بپذیریم روایت آنها یک دلالت ندارد، بلکه بطور همزمان دلالت‌های چندگانه‌ای دارند. روایت آنها بر حسب دو عامل، متغیر می‌شود: این دو متغیر را می‌توان موقعیت مخاطب (خودی/دیگری) و بردار زمانی (معطوف به حال یا آینده) دانست.

۱. روایت‌ها در نسبت با دیگری‌ها و در بستر زمانی

وقتی این گفتارها گویی از ذهن و زبان خودی‌ها نسبت به دیگری‌ها و برای حال یا آینده گفته می‌شود منطق اتوپیک دارد. اتوپیا در اینجا به معنای نظامی است که نافی وضع موجود از نظر یک گروه اقلیت در بستر کلان جامعه جهانی و نظم کلان حاکم است. در این حالت این روایت‌ها نافی نظم جهانی با ارجاع به اتوپای جماعت آیینی زایران است. تمام اجزای این روایت، نافی

نظام ارزشی جهان موجود (بالاخص غرب و پیروانش) از طریق ارجاع به نظم برین و مسیر سعادت‌مندی اربعینی است؛ به عنوان مثال میرزایی، حسین زاده و عامری پور (۱۴۰۲) اینگونه می‌نویسند: «اربعین حسینی می‌تواند زمینه ساز حکومت مهدوی بر مبنای زندگی توحیدی، خادمیت، زائریّت، استقامت، مدارا، گذشت، ایثار، انتظار و زیست موحّدانه در برابر جبهه غیر دینی و مادی غرب و دنیای استکبار باشد».

یکی دیگر از مقالاتی که به خوبی مضمون نفی دیگری غربی را به مثابه درونمایه اصلی تحلیل اربعین در نظر گرفته، کار غیائی فتح آبادی، برزویی و نصیری (۱۴۰۰) است. در این وضعیت، دلالت‌های اساطیری و دوگانه‌های متناقض (مادی گرایی/معنویت گرایی، تقدس/عرفی، خودمحوری/دیگرخواهی، ...) بسیار به کار برده می‌شود. در نهایت به تعبیر روایتی که رحیم پور ازغندی درباره اربعین می‌دهد، «ما چیزی داریم که کل جهان ندارد». در اینجا رسالت جهانی اتوپیک خودی‌ها برای اصلاح جهان، در برابر همه ایدئولوژی‌ها و اتوپیا‌های دیگران بیان می‌شود. به بخشی از گفتارهای بزرگان این عرصه در یکی از همایش‌های ملی/بین‌المللی که در قاب زیرآمده دقت شود:

پنجمین همایش بین‌المللی اربعین^۱ ۱۴۰۱

جهانی‌شدن مقاومت و تحولات فراملی

آیین افتتاحیه

... دکتر حسین کچوییان در مورد ابعاد اجتماعی و فرهنگی اربعین سخنرانی کردند: رخداد اربعین رخداد عجیبی است و در این زمینه ما تلاش می‌کنیم که آن را بفهمیم. دو مسئله اساسی برای فهمش وجود دارد: یک، ماهیت این رخداد است. رخدادی که به عنوان بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی است و پیوندی با انقلاب دارد؛ دو، آثار و پیامدهایی است که این رخداد در تاریخ به عنوان بخش مهمی در مقاومت و فراملی کردن آن داشته است. این رخداد پاسخ به یک شرایط تاریخی است که از دو وجه به آن اشاره می‌شود. پاسخ به شرایط تاریخی انقلاب اسلامی و شرایط جهانی است.

... دکتر عبدالکریم پاژ به ابعاد مقاومتی اربعین اشاره کردند: حرکت اربعین معجزه‌ی عظیمی است که طبق دستور خدا، رسول خدا و ائمه اطهار زنده مانده است.... خدا را شکر انقلاب اسلامی آمد و توانست راه نجات را باز کند

^۱ پنجمین همایش بین‌المللی اربعین در شهریور ماه سال ۱۴۰۱ در دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شده است.

۲. روایت‌ها در نسبت با خودی‌ها در بستر زمانی

روایت اصحاب انقلاب اسلامی از پیاده‌روی اربعین اصولاً با نفی نظام جهانی و حکومت‌های آنها (تقریباً هر شکلی از قدرت دولت-ملت بجز ایران) است. وقتی این روایت در بستر تعاملی راویان این گفتمان و خودی‌ها بیان می‌شود، به معنای نفی نظم موجود خودی نیست. نفی نظم موجود در نظام سیاسی ایران (در سطح حکومت نه دولت) در این روایت، بسیار دشوار و شاید بتوان گفت محال است. گویی تنها صاحب و مدافع و مدعی این اتوپیا، نظم حکومت ایران به نمایندگی مقام معظم رهبری است. به همین سبب خودی‌ها در محور آینده، رسالتی اتوپیک دارند و در محور زمان حال، این اتوپیا بیش از همه کارکردی ایدئولوژیک دارد، گویی محتوای این آیین، همان چیزی است که ساز و برگ رسانه‌ای حکومتی در ایران مدعی آنست. به عنوان مثال، فتحی (۱۴۰۱) به خوبی این تشابه یافته‌ها را با مدعیات ایدئولوژیک نظام سیاسی در ایران را نشان می‌دهد: «پیاده‌روی اربعین حسینی یک اسطوره بزرگ تاریخی است» و در ادامه با یک روش پیمایشی به نکاتی رسیده که در این یافته‌ها همانند بسیاری از مقولات دیگر، همسویی آنها با مدعیات گفتمانی جمهوری اسلامی است. در نسبت با زمان حال، کلیت این روایت‌های اتوپیک، یک پدیده ایدئولوژیک برای خودی‌ها است. گویی اتوپیا و ایدئولوژی در این روایت‌ها یکی می‌شوند. به عنوان مثال در نوشتار غفاری و محمدمیرزایی (۱۴۰۰) اینچنین آمده است: «پیاده‌روی اربعین دارای ظرفیت‌های جدی برای ترویج و ارتقاء ابعاد استکبارستیزی در میان آزادی خواهان جهان بوده و می‌تواند زمینه ساز گسترش بیداری اسلامی در میان ملت‌های منطقه باشد. ابعاد و مؤلفه‌هایی که عبارت‌اند از: نظام ولایت الهی، شناخت و بصیرت، مردمی بودن، استمرار، عزت، شجاعت، ایستادگی، وحدت و دفاع از مظلومین...». در این منطق، دولت، امکان نفی شدن دارد ولی موقعیت قدرت مقام رهبری به مثابه رهبری کاریزماتیک، تنها نقطه دنیوی تجلی این نظم، تلقی می‌شود. گویی حوزه امن این اتوپیا در این کره خاکی، قلمرو انقلاب اسلامی است. در این سطح ما با اتوپیا مواجه نیستیم بلکه در واقع با ایدئولوژی‌ای مواجهیم که نظم و نظام معنایی و ارزشی حکومت (گفتمان انقلابی) در آن تایید و بازتولید می‌شود. در این سطح، نوعی هاله‌ای شدن قدسی واقعیت نظم سیاسی حکومت ایران (آنچه که انقلاب اسلامی نامیده می‌شود، نه جمهوری اسلامی) در میانه واقعیت و اتوپیا قرار می‌گیرد. امری که واقعیت یافته اما گویی هنوز در قلمرو اتوپیاست. گویی از این طریق، سویه‌های تاریک تحقق واقعی این آرمان و اتوپیا، بواسطه هاله‌ای شدن و ادغامش با اتوپیای جدید اربعینی، از بین می‌رود و ساحت

اتوپیا جایی می‌شود که موقعیت و نظم موجود و برتر این بخش از نظم اجتماعی ایران در آن بازتولید شده و مشروعیت بخشی می‌شود.

رویکرد اتوپیک، سایر گفتمان‌های علمی و مذهبی را به خدمت می‌گیرد تا این پیوند اتوپیک اربعین با انقلاب اسلامی را نشان بدهد. این گفتارها در صحبت‌های کسانی مانند عماد افروغ (۱۳۹۸)، حامد حاجی حیدری (۱۳۹۵)، سعید زاهد زاهدانی^۱ (۱۴۰۲) و محمدرضا قائمی نیک^۲ (۱۴۰۰) ... هم دیده می‌شود. در این روایت‌ها ابتدا به منحصر بفرد بودن این رویداد بزرگ در تاریخ پرداخته می‌شود. از سوی دیگر این موقعیت منحصر بفرد نوعی معجزه یا نوعی تجلی حقیقت برین تلقی می‌شود. این حقیقت برین در واقع، والاترین صورت حقیقت در تاریخ نامیده شده و تنها مسیر درست محسوب می‌شود. یک خصیصه مهم چنین نگاهی آنست که راویان این روایات اتوپیک اصولاً به داده‌های معتبر و گزارش‌ها استناد نمی‌کنند بلکه به داده‌های اندک شخصی (تجربه زیسته محدود شخصی شان، گاه شنیده هایشان از دیگران) و نوعی فهم شهودی مبتنی بر اعتقاد، برای استدلال‌ها و تعمیم‌های کلان شان استناد می‌کنند.

درآمدی بر ژورنالیسم انتقادی اربعین^۳

حامد حاجی حیدری

بی‌گمان، با «پیچیده‌ترین پدیده اجتماعی تاریخ» مواجهیم. بنا به دلایل قطعی، هیچ پدیده اجتماعی دیگری تا این اندازه پیچیده نبوده است. تحلیل‌گران اجتماعی می‌دانند که این ادعا، تا چه پایه سنگین و پر مؤونه است؛ ولی حتماً چنین است. چرا؟

— مطابق آخرین برآوردی که از عظیم‌ترین گرد هم آیی انسانی تاریخ در سال ۲۰۱۶ در دست است... در یک دوره حدوداً ۲۰ روزه در یک گستره جغرافیایی بسیار محدود، گرد هم جمع می‌شوند؛ و با یک سوگواری عمیقاً جان‌گداز، عزرا را آن چنان که برانزده چنان رویداد سهمگین تاریخی است...

دکتر علیرضا شجاعی زند در نشست "فراملی شدن و تحولات جهان اسلام" با موضوع «تأملی در رویکردهای به پدیده اربعین» سخنرانی کردند.^۴ ... اربعین مجرا و مسیری است که بشر را به عصر و دوره‌ای به کلی متفاوت از آنچه تاکنون بوده است، رهنمون می‌سازد در رویکرد تمدنی نیز اربعین یک راه میانبر تلقی شده است...

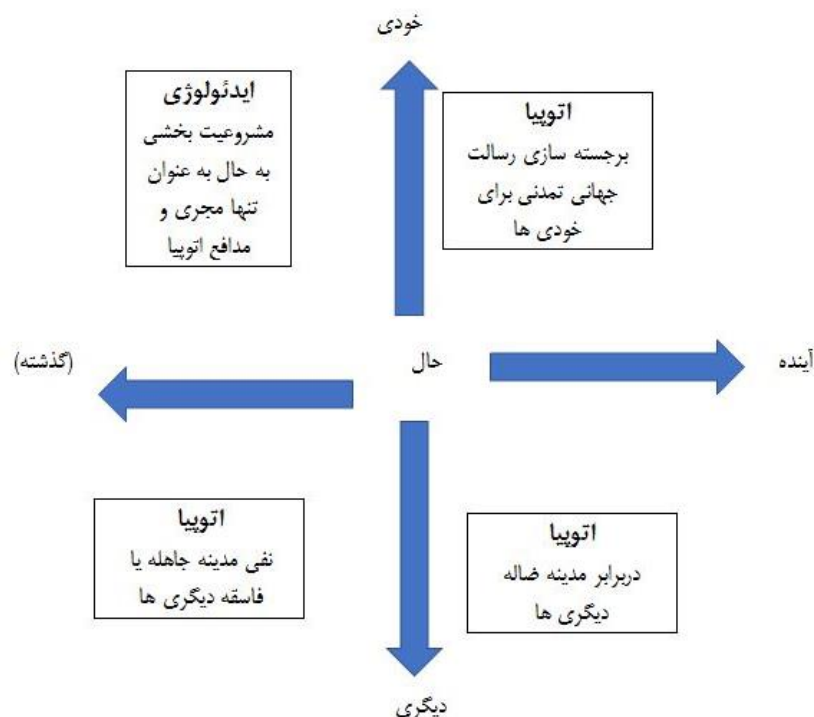
^۱ عنوان مقاله: نقش پیاده روی اربعین در جریان جهانی شدن، در خبرگزاری ایبنا <https://www.ibna.ir/fa/note/346323>

^۲ عنوان مقاله: اربعین از آرمان تا واقعیت، ۳۱ مرداد ۱۴۰۰، دانشگاه فردوسی مشهد

^۳ در پنجمین همایش بین المللی اربعین در شهریور ماه سال ۱۴۰۱ در دانشگاه علامه طباطبائی.

^۴ در پنجمین همایش بین المللی اربعین در شهریور ماه سال ۱۴۰۱ در دانشگاه علامه طباطبائی.

بر اساس تحلیل محتوای این گفتارها می‌توان الگوی فهم روایت‌های اربعین از کنشگران و باورمندان گفتمان انقلاب اسلامی را برحسب مخاطب و بستر زمانی مورد نظر در الگوی زیر خلاصه کرد:



نمودار به خوبی نشان می‌دهد که منطق اصلی گفته‌های این گروه از اصحاب علوم اجتماعی در الگوهای اتوپیک می‌باشد. در منطق ذهنیت اساطیری و مذهبی آنها و با ارجاع به باورهای مذهبی آنها قابل فهم و تحلیل است. به همین سبب، گفتارهای علمی شاید در برخی مقدمات گفتار (مانند ارائه آمار و برخی استدلال‌های فرعی) قابل ردیابی باشد، اما در واقع، شاکله اصلی روایات اینها در ساحت اتوپیک و از منظر درون دینی و مبتنی بر باورهای مذهبی و عقیدتی خاصی است که در مذهب سیاسی انقلاب اسلامی ایران متجلی است.

مهمترین نشانه این مساله در آنست که این گروه از تحلیل گران، اربعین را به مثابه پدیده اجتماعی نمی‌بینند (حتی اگر قایل به پدیده اجتماعی بودن آن باشند، ماهیت و منشا آن را الهی می‌دانند و لذا وجه ماورایی منشا آن بسیار مهمتر از هرچیزی است) و در وهله بعد برای

تبیین آن هم به پدیده‌های اجتماعی ارجاع نمی‌دهند، بلکه در نهایت، برای تحلیل آن به مسائل ماورایی و الهی ارجاع داده می‌شود. این گفتمان به دلیل آنکه در منطق اتوپیک همه چیز را می‌بیند و سرمست از شعف موقعیت آیینی جماعت واره زایران است، بعد از بیش از یک دهه که بودجه‌ها و امکانات فراوانی در قالب انواع اقسام پژوهش و همایش در دست این گروه بوده، هنوز ما شاهد پژوهش‌های جامعه‌شناختی دقیقی در این حیطه از جانب آنها نیستیم و تمام گفتارها و نوشتارها، حاصل ایده‌های اولیه و ناشی از تامل بر داده‌های در دسترس است. مهمترین نشانه اتوپیک بودن این گفتمان آنست که صرفاً در ایام محرم و صفر فعال می‌شود و عملاً خودش، بخشی از تجربه آیینی این گروه است و وجه عقیدتی این آیین بر وجه علمی آن غلبه دارد. مساله اصلی این گروه نه تحلیل علمی بلکه تبلور و تعیین ایمان مذهبی آنها به این آیین است. نکته اصلی آنست که در ایران و از طریق این گفتمان، بیشترین خوانش سیاسی از این آیین رخ می‌دهد. خوانشی که در دل رویکرد اتوپایی خودش، نگاهی آخرالزمانی هم دارد. گویی این حضور، مقدمه ظهور است. غیائی فتح ابادی، برزویی و نصیری (۱۴۰۰) می‌نویسند: «با نگاه به ابعاد عظیم نهاد زیارت در فرهنگ شیعی... با نورانی تر کردن خانواده‌ها و اتصال هرچه بیشتر این نهاد نورانی به شجره طیبه ولایت، زمینه ظهور انسان کامل در عالم ارضی را فراهم می‌کند»، موسوی و بیات (۱۳۹۷) نیز به اهمیت زمینه سازی برای ظهور در این آیین اشاره کرده‌اند.

روایت چشم انداز گفتمان‌های روشنفکری دینی و منتقدان اجتماعی

این دسته از گفتارها و روایت‌ها از جانب کسانی بیان میشود که با گروه قبل، اشتراکاتی در باور به کربلا دارند اما سعی می‌کنند نسبت به سنت رایج در گفتمان روشنفکری دینی، فهمی زمینه مند و عقلانی از این پدیده داشته باشند. کسانی که در این گروه قرار می‌گیرند مانند محسن حسام مظاهری (۱۳۹۶، ۱۳۹۵)، که محققانی مانند محمدرضا پویا فر (۱۳۹۹)، مهدی سلیمانی (۱۳۹۶) در مظاهری (۱۳۹۶) و جبار رحمانی (۱۳۹۹) گفتارها و نوشتارهای متنوعی را منتشر کرده‌اند. من در این بخش تاکیدم بر روایت گروه‌های منتقد بیرون از گفتمان انقلاب اسلامی است. چشم اندازی که این واقعه را بیش از آنکه یک اتوپیا یا ایدئولوژی در نسبت با نظام سیاسی حاکم بداند، آن را هتروتوپیا می‌داند. همانطور که گفته شد هتروتوپیاها، منعکس، بازنما، تعیین کننده، بازتاب‌دهنده و خبرآورنده از تمام سایت‌های دیگرند. در عین حال آن‌ها را به تعلیق درمی‌آورند، خنثی و وارونه می‌کنند، به چالش می‌کشند و نقض‌شان می‌کنند.

در خوانش‌های منتقدان این آیین و کاربست‌های ایدئولوژیک آن در گفتمان اصولگرایان و قشر مسلط در جامعه ایرانی می‌توان گفت که پیاده‌روی زیارت اربعین در نسبت با نظام سیاسی حاکمه ایرانی، یک هتروتوپیا است. از نگاه این گروه از تحلیل‌گران، تفکیکی که میان اربعین ایرانی و عراقی مطرح شده، نوعی تلاش برای زمینه‌مند کردن روایت ایرانی بر حسب شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصاد سیاسی در ایران است. گویی نظم سیاسی ایران میل دارد با وجود آنکه ده درصد از زایران را تشکیل می‌دهد از آن برای اثبات کارآمدی و کارایی دستگاه ایدئولوژیک خودش استفاده کند و به تعبیر دیگر آن را مصادره به مطلوب نماید. لذا منتقدان، تأکیدی که بر بی‌نظمی‌ها و آشفتگی‌ها و... در اجرای این آیین (مثلاً وضعیت آشفته مرز ایران و عراق و حتی در مواقعی ناامنی برای زایران و ...) دارند برای آنست که آن را به مثابه نوعی هتروتوپیا مورد بازخوانی قرار می‌دهند تا نشان دهند که در واقعیت و در کنه توپوپایی (نظم موجود) که ترسیم می‌شود؛ می‌توان این هتروتوپیا را دید.

اربعین ۱۴۰۱: سردرگمی زائران و بی‌مسئولیتی مسئولان

محسن حسام مظاهری

۱. گزارش‌ها و مشاهدات از وضعیت برخی مرزهای غربی فاجعه‌بار است. بلا تکلیفی و سردرگمی انبوه زائران ایرانی در مرزها، فقدان وسایل نقلیه برای انتقال زائران به نجف و کربلا و سوداگری رانندگان عراقی، رفتارهای تحقیرآمیز و توهین‌آمیز مأموران و نیز برخی عراقی‌ها با زائران "عجم"، در کنار گرسنگی و تشنگی و گرم‌زدگی شرایطی پدید آورده که شماری از زائران قید شرکت در پیاده‌روی را زده و سرخورده و ناراضی در حال بازگشت به شهرهای خود هستند.

۲. وقتی که هم ظرفیت محدود جاده‌ها و هم ناکارآمدی و فشل بودن وضعیت حمل و نقل و عبور از مرز در طرفین خصوصاً در عراق و نیز شرایط آشفته‌ی سیاسی آن کشور از قبل مشخص است، بمباران تبلیغاتی رسانه‌ای برای تشویق و تحریض مردم به شرکت در پیاده‌روی و گسیل انبوه جمعیت به سمت مرزها چه منطقی دارد....

۱۷/۰۶/۱۴۰۱

mohsenhesammazaheri@

توییت →

زینب مرزوقی پسندید

محمد مالی

@mohammademali



وضعیت هزاران زائر در گذرگاه‌های مرزی خوزستان به عراق، اسفبار، فاجعه و افتضاح است. این وضعیت محصول ناهماهنگی، بی‌تجربگی، عدم پیش‌بینی، مدیریت بی‌تحرک و فُشل است. ناجوانمردانه توپ را به زمین عراقی‌ها نیاندازید. وضعیت از قبل روشن بود. شما در حد مدیریت یک اردوی مدرسه‌ای هم نبودید.

Twitter for Android u00B7 ۲۲ سپتامبر ۰۹۰۱۴:۴۹



mohammad mohajeri @Mo... · 5h

اجازه هست فعلا و تا اینجای کار، یک جایزه [#زرشک](#) طلایی تقدیم کنیم به [#دولت_سیزدهم](#)، [#وزارت_کشور](#)، [#وزارت_راه](#) و... بخاطر سوءتدبیر در سفر مردم به عتبات و از بین بردن عزت زائران [#اربعین](#)؟

141 52 935



@salavatia... · 8m

تمشک طلایی بدهید که از اعتبار جهانی برخوردار است بیشتر خوششان می‌آید

1 3

گویی این منتقدان سعی می‌کنند با توصیف واقعیت تعین یافته این پدیده که به ظن گفتمان غالب، یک روایت اتوپیاپی هست، در خوانشی معکوس آن را به مثابه یک هتروتوپیا نشان دهند و واقعیت‌های تلخ جهان عینی موجود را در زیر لایه‌های ظاهری قدرت حاکمه برجسته کنند تا از این طریق هم اتوپیاپی نبودن آن را نشان دهند و هم از خلال این کار، سویه‌های

مشروعیت بخشی این خوانش اتوپایی برای نظام حاکم در ایران را به نقد بکشند. موافقان خوانش هتروتوپایی از این واقعه قصدی برای نفی ارزشهای درونی این آیین (باور به هسته مقدس باورهای کربلایی شیعی و زیارت اربعین) ندارند، بلکه بیش از آنکه بخواهند نفس آیین (زیارت اربعین کربلا) را نقد کنند، روایت برساخته شده سیستم‌های فرهنگی نظام سیاسی ایران را به نقد می‌کشند و از این طریق با ترسیم هتروتوپیک این رویداد، بیش از آنکه نفس این آیین را نقد کنند، می‌خواهند راوی روایت‌های اتوپیک را به نقد بکشند. به عنوان مثال مظاهری (۱۳۹۶) در مقدمه کتابش می‌نویسد: «آنچه تاکنون درباره پیاده‌روی اربعین در منابع مکتوب فارسی آمده، نوعاً متونی با رویکرد تبلیغی - ترویجی است. در مجموعه مقالات حاضر، اما نویسندگان ... کوشیده‌اند بر علایق شخصی و مذهبی خود حتی‌الامکان فایق آمده و از منظر جامعه‌شناختی و بعضاً با سویه انتقادی به تحلیل این پدیده بپردازند». به عبارت دیگر مساله در واقع بر سر اصل زیارت در عراق نیست بلکه مساله بر سر نوع روایت و میزان و نحوه مصادره به مطلوب کردن آن توسط گفتمان غالب است. در نقد این روایت‌های مصادره به مطلوب شده، رحمانی (۱۴۰۱) در نشست پیامدهای فرهنگی و اجتماعی راهپیمایی اربعین اینگونه گفته است: «مُرادم از اینکه در حال استفاده از آخرین ذخایر شیعی یعنی کربلا هستیم، این است که باید حواسمان باشد که چه اتفاقی در حال رخ دادن است... اینکه آخرین ذخیره آیینی تشیع را سیاست اینگونه استفاده می‌کند، نیاز به بازاندیشی توسط اصحاب علوم انسانی دارد. اگرچه هم دولت و هم مردم از آن خشنود هستند ولی این خشنودی به این معنا نیست که اتفاق درستی در حال رخ دادن است.»^۱

اگر گفتمان رسمی سعی دارد از اجرای این آیین به مثابه نشانه برتری و حقانیت و مشروعیت و کارآمدی خودش استفاده کند، این گروه از منتقدان با وارونه سازی آن و بازنمایی آن به مثابه یک هتروتوپیا سعی دارند آن را به عنوان نشانه‌ای از نظم واقعی قدرت در ایران و استفاده‌های ابزاری از دین توصیف کنند و ناکارآمدی‌ها و ابزارگرایی‌های آن در سوءاستفاده از ارزشهای دینی و آیینی را نشان دهند. یکی از مقالاتی که به خوبی به زمینه مندی گفتمان‌ها و نسبت آنها با موقعیت راویان در تحلیل و ارزیابی پیاده‌روی اربعین پرداخته، کار ذکایی و اسلامی (۱۴۰۰) است که در نتیجه کارشان در بررسی بازنمایی رسانه‌ای اربعین در ایران حسب دلالت‌های گفتمانی و سیاسی آن، نوشته اند: رویداد اربعین به مثابه «زیارت»، «پدیده»، «نهضت»،

۱ گزارش-نشست-پیامدهای-فرهنگی-و-اجتماعی-راهپیمایی-اربعین/18787/news/fa/ir/ihcs/www

«راهپیمایی»، «پیاده روی» و «مسافرت» بازنمایی می‌شود. و در ادامه مقالات مربوطه، دلالت‌های اجتماعی و سیاسی و عناصر اصلی هرکدام از این نظام‌های بازنمایی را تشریح نموده‌اند. در این رویکرد، بیشترین هدف آنست که آیین‌ها و سنت‌های مذهبی، از نقش ابزاری در خدمت سیاست رها شوند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش کردم دو گونه از روایت‌های مربوطه به پیاده‌روی اربعین از زبان اصحاب علوم اجتماعی و انسانی را مورد بررسی قرار دهم. البته می‌توان گونه‌های مختلف دیگری را هم نام برد، گونه‌هایی که نه تنها باوری به این پدیده ندارند، در واقع آن را به دلیل آنکه عمیقاً دستمایه دستکاری جامعه توسط سیاست شده، نقد می‌کنند. اما نکته اصلی آنست که این نوع نقدها عموماً در فضای میان فردی مطرح می‌شود و به ندرت پوشش یا ظهور و بروز رسانه‌ای دارد. به همین سبب در این مقاله بر کسانی تاکید شد که در قالب مقاله، کتاب، نشست و ... حضوری موثر در شکل‌گیری گفتارهای رایج درباره اربعین در داخل ایران دارند.

هر دو گروه، در باور به مقدس بودن این رویداد، مشترک هستند، اما تفاوت آنها در نوع خوانش این رویداد و نسبتش با نظام سیاسی ایران است. گروه اول که بیشترین میزان کنشگران جامعه شناس مذهبی را در خودش دارد، تلاش کرده از این رویداد، روایتی اتوپیک بسازد و از آن به عنوان مفهومی برای نقد غرب و مدرنیته استفاده کند. نکته جالب آنست که شاید برای مخالفان و دیگری‌ها، این روایت، یک اتوپیاست که مرتبط است به گفتمان اتوپیک انقلاب اسلامی، اما برای خودی‌ها و در نسبت با نظام سیاسی، این روایت یک ایدئولوژی است که حال فعلی این نظام انقلابی در ایران را با وعده آینده آرمانی موجه می‌کند. راویان جامعه شناس این گروه، بیش از آنکه زبان و ذهنیتی جامعه شناختی داشته باشند، زبان و ذهنیت مذهبی و کلامی و الهیاتی برای فهم این رویداد دارند، لذا در چشم انداز الهیاتی، گفتارهای آنها قابل فهم و معنادار است. این گفتار بیش از همه مبتنی بر منطق تبرّائی است. نه برای وصل کردن که برای فصل کردن و مرزهای میان خودی‌ها و غیرخودی‌ها آمده است. نوعی رقابت آشکار زبانی با "دیگری" جریان دارد که تلاش می‌کند دایماً با اتکا به نمونه‌های خرد و کلانی از پیاده‌روی اربعین که تعبیری معجزه گونه هم دارند، نشان دهد رقیبان و مدعیان دیگر، شکست خورده‌اند. به همین سبب دایماً تلاش می‌شود از منحصر بفرد بودن و برترین بودن این آیین صحبت کنند که هیچ کس را یارای مقابله با آن نباشد. صفت‌هایی مانند بزرگترین، برترین و باشکوه ترین و ...

دایما تکرار می‌شود، بی آنکه حتی به داده‌های مشابه در سایر ادیان استنادی شود. به همین سبب همه گفتارها و نوشتارها در بستر منطق تبراّی (نفی رقیبان) تولید شده‌اند. این گروه از این رویداد برای تقویت و توسعه انسجام خودی‌ها و خط و نشان کشیدن‌های آشکار و تند با دیگری‌ها استفاده می‌کنند. صورت بندی توّلیّی برای بسط چتر مفهومی این رویداد، معمولاً رخ نمی‌دهد. اتوپییای ترسیم شده بیش از همه، ایدئولوژی‌ای برای انسجام خودی‌ها، مشروعیت بخشی به عملکرد حکومت و افتراق با دیگری هاست.

گروه دوم که اقلیتی محدود هستند، دسترسی شان نهایتاً به برخی رسانه‌های رایگان مدرن مانند شبکه‌های اجتماعی است. اینها سعی کرده‌اند نشان دهند که این روایت اتوپیک از رویداد بزرگ اربعین، یک برساخته سیاسی ایدئولوژیک است. برخلاف گروه اول که بر مقدمات و استدلال‌های عقیدتی تکیه می‌کنند، این گروه سعی دارند با تکیه بر تحلیل‌های علمی این سازه اتوپیک را واسازی کنند و برای نقد جامعه و سیاست ایرانی و گفتمان جبهه انقلاب اسلامی از این پدیده استفاده کنند. در این گروه بیشتر می‌توان سویه‌های علمی و عقلانیت عرفی و مدنی را مشاهده کرد.

از منظر این گروه دوم، این آیین، بیش از هرچیز مبتنی بر ساحت‌های عقیدتی و ذهنیت اساطیری (در معنایی که میرچا الیاده از اسطوره در آثارش بیان کرده است) است و اجرای این آیین و مشارکت مومنان در آن، هرچه بیشتر منجر به تعمیق این نوع روایت و چشم انداز در جامعه می‌شود. از این منظر شاید بهتر است بگوییم تحلیلگران دسته اول، بیش از همه در چشم اندازی اسطوره‌ای با این واقعه آیینی مواجه می‌شوند به همین سبب تحلیل‌های علمی در گفتار آنها چندان رنگ و بویی ندارد، مگر آنکه صرفاً نقش و کارکردی تایید کننده مدعیات آنها داشته باشد. نگاهی به تعاریف کلیدی اسطوره در آراء و نظریات الیاده و کاسیرر به خوبی می‌تواند این مقوله را نشان دهد. الیاده یک تعریف گسترده‌تر و عام‌تر از اسطوره ارائه می‌دهد که: "اسطوره نقل‌کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است، راوی واقعه‌ای است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت همه چیز، رخ داده است" (الیاده، ۱۳۸۶: ۱۴). یکی دیگر از تعاریف رایج در این زمینه آنست که "آنچه اسطوره است، یک داستان مقدس است و توسط گروهی از مردم که معانی بسیار مهم خودشان را در آن یافته‌اند، مشترک است" (Braun & McCutcheon, 2000: 199) به نقل از سیگال (۱۳۹۸).

این تعریف، سه مولفه جمعی بودن، مقدس بودن و مهم بودن معانی در روایت اساطیری را به خوبی مورد تاکید قرار داده است. در تمام گفتارهای اصحاب علوم اجتماعی جبهه انقلاب،

می‌توان این مولفه‌ها را دید. آنها قبل از هرچیز واقعه اربعین را یک مقوله مقدس می‌دانند. این نقطه شروع، نقطه شروع جامعه شناختی نیست بلکه نقطه شروع اسطوره‌ای و مذهبی است. از نظر کاسیرر، "فهم فلسفی اسطوره با این بصیرت آغاز می‌شود که اسطوره در جهانی تصنعی یا ابداع شده، سیر نمی‌کند، بلکه وجودش، نوعی ضرورت خود را دارد و بنابراین ... اسطوره، شیوه واقعیت خود را می‌یابد" (کاسیرر، ۱۳۷۸: ۴۵). این نوع نگاه ذات گرایانه به واقعه اربعین در گفتارهای گروه اول مورد بحث در این مقاله به خوبی دیده می‌شود. از نظر کاسیرر محتویات آگاهی اسطوره‌ای، قلمرو خود-بسامان و خود-محصولی را تشکیل می‌دهد که متمایز از محتویات وجود تجربی و امور عام روزانه است (همان: ۱۴۱). از این منظر، این گروه تلاش دارد روایتی از ذات قدسی این آیین و عظمت آن و مهمترین مدافع و منادی و تجلی آن یعنی نظام حکومتی ایران ارایه دهند و این تمام چیزی است که دسته دوم تلاش دارند ساختگی بودن آن را نشان بدهند.

اما نکته اصلی آنست که چرا چنین خوانشی امکانپذیر شده است. به نظر می‌رسد یک توضیح کلیدی برای این پاسخ آنست که نوعی خلط مفهومی در مقالات گروه اول درباره موقعیت‌های عادی و جاری زندگی و موقعیت‌های آستانه‌ای یا تعلیق یافته زندگی وجود دارد. آنچه که در موقعیت‌های آیینی رخ می‌دهد، نه یک روال روزمره از پدیده‌ها، بلکه روالی تعلیق یافته از جریان زندگی و وارونه سازی بسیاری از قواعد است. بسیاری از خصیصه‌هایی که به خود این آیین نسبت داده شده، دقیقاً بر مبنای همین منطق تعلیق زندگی است. بواسطه این تعلیق، نوعی حس و ادراک برابری، معنویت، سادگی، فقدان سلسله مراتب، تعلیق منفعت طلبی‌های روزمره و غلبه انگیزه‌های معنوی را می‌توان شاهد بود. «این جنبش مذهبی بخشی از مناسک مذهبی شیعیان است که در آن انسانها فارغ از سود و زیان مادی به کنشگری بپردازند و افزون بر نمایش احساسات خود یک خیز جهانی برای پاسخ به ندای فطری، خداجویی و حق طلبی بر پایه بلندترین حد شور و عواطف و در اوج قله عقلانیت انسانی را به نمایش می‌گذارند» (رضا دوست و بهمنی، ۱۴۰۱). رضوی زاده (۱۳۹۶) نیز در تحلیل تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق، سه مضمون اصلی را شناسایی کرده است: تجربه تعلیق امر مادی؛ رنج مقدس به مثابه مولد معنا؛ و برانگیزانندگی عاطفی مناسک جمعی زیارت. این مقولات اصلی شامل شش مقوله فرعی بودند: تعلیق عقلانیت ابزاری، به تعلیق درآمدن نظم سلسله مراتبی قشربندی اجتماعی، ادراک امر قدسی و غیبی، چشم داشت پاداش، احساس تعلق هویتی به اجتماع مذهبی با بازسازی تجربه

تاریخی رنج اَلود و اعلان عملی باور به عقیده مذهبی با بازسازی تجربه تاریخی رنج اَلود. اینها دقیقا خصلت موقعیت آستانه‌ای یا جماعت وارگی در آیین‌ها هستند. آنچه که گفتمان اول را به وجد آورده انتساب و تداوم بخشیدن به این شرایط و مولفه‌های موقعیت آستانه‌ای آیین، به موقعیت عادی‌ای است که در آن نظم روزمره و نظام سیاسی حاکم هستند. گویی از این انرژی مازاد آیینی برای تقویت و مشروعیت بخشیدن به نظم سیاسی مسلط استفاده می‌شود. به همین سبب گفتمان اول، بر همین خطای معرفت شناختی برای خلط موقعیت آستانه‌ای آیین با موقعیت عادی و مستقر زندگی روزمره و موقعیت غیرآیینی بنا شده است و گفتمان دوم دقیقا سعی دارد این خلسه ناشی از آیین را در أصحاب گفتمان اول، به نقد بکشد.

منابع

- افتخاری، لاله (۱۳۹۸) «نقش پیاده‌روی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی با تاکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری»، *فصلنامه علمی تخصصی رهیافت فرهنگ دینی*، سال دوم شماره هشتم: ۵۷-۳۱.
- افروغ، عماد (۱۳۹۸) "برای فهم اربعین باید بزرگ شویم" در <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/07/24/2119558>
- اسلامی، روح الله؛ ذکایی، محمدسعید (۱۴۰۰) «اعتباریابی در پژوهش کیفی: تطبیق گونه شناسی های دینداری در ایران با گفتمان های اربعین»؛ *دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی*، (۲)۸: ۶۰-۳۳.
- امامی، مجید، غیائی، هادی (۱۳۹۶) «همگرایی تمدنی در طریق زیارت؛ با تاکید بر پیاده‌روی زیارت اربعین»؛ *دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی*، دوره ۴، شماره ۲، پیاپی ۹: ۱۲۷-۱۴۸.
- انگروزینو، م. (۱۳۹۷) *مردم نگاری*؛ جبار رحمانی و محمد محسنی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۶) *چشم‌اندازهای اسطوره*، جلال ستاری، تهران: توس.
- باستید، رژه (۱۳۷۰) *دانش اساطیر*، جلال ستاری، تهران: توس.
- بیات، قدسی، قاسمی، مرضیه. (۱۳۹۹). «ارتباطات آئینی در فضای مجازی: بازنمایی پیاده‌روی اربعین حسینی در وبسایت بی‌بی‌سی فارسی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*؛ ۱۳ (۲): ۶۵-۳۵.
- پویافر، محمدرضا (۱۳۹۹) «خیر دینی به مثابه تجربه دینی: بازتعریف گونه‌های تجربه دینی با مطالعه در آیین پیاده‌روی اربعین». *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۳ (۲): ۸۷-۱۱۵.
- حاجی حیدری، حامد (۱۴۰۱)، «درآمدی بر ژورنالیسم انتقادی اربعین»، پنجمین همایش بین المللی اربعین در شهریور ماه سال ۱۴۰۱ در دانشگاه علامه طباطبائی.

- حمیدی، سعید (۱۴۰۰) «تجلی عناصر تمدن اسلامی در پیاده‌روی اربعین، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»؛ *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال یازدهم، شماره چهارم، پیاپی ۲۷: ۵۵-۸۳.
- حیدری، نصرت الله، عزتی، یونس و فلاحتی، سارا (۱۴۰۱) «نقش و جایگاه راهپیمایی اربعین بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»؛ *فصلنامه مطالعات علمی قدرت نرم*، سال دوازدهم، شماره ۱ پیاپی ۲۸: ۷-۳۳.
- خاکی، محمد و حسینی. سید قاسم (۱۳۹۹) «نقش راهپیمایی اربعین حسینی در ایجاد تمدن نوین اسلامی»، *مجله معارف حسینی*، سال ۵ شماره ۱۹: ۹۳-۱۱۱.
- درویدیان، محمدجواد (۱۳۹۷) «منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی»، *مجله منظر*، ۱۰ (۴۵): ۵۶-۶۵.
- دریغوس. ه. و رابینو، م. (۱۳۸۲) *میشل فوکو: فراسوی ساختگرایی*؛ حسین بشیریه. تهران: نی.
- ذکایی، سعید و اسلامی، محمدسعید (۱۴۰۰) «بازنمایی رسانه‌ای مناسک زیارت اربعین در ایران؛ سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶». *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران* ۱۳ (۲): ۱-۳۶.
- راسخ، شاپور (۱۳۴۱) «کارل مانهایم (جامعه‌شناسی معرفتی)»، *مجله سخن*، شماره ۱۴۶، مرداد ۱۳۴۱: ۴۲۳-۴۱۶ و ص ۴۱۹.
- راودراد، اعظم (۱۳۷۶) «نقدی بر دیدگاه کارل مانهایم در جامعه‌شناسی معرفت»، *مجله حوزه و دانشگاه*، شماره ۱۲ و ۱۱: ۵۷-۵۴.
- رحمانی، جبار. (۱۳۹۹). «تشیع پساصدام و پایان سندرم حسرت جغرافیای مقدس در تشیع؛ جامعه شیعی به مثابه جامعه‌ای در فراغ»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران* ۱۳ (۲): ۶۷-۸۶.
- رضوی زاده، ندا (۱۳۹۶) «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده‌ای ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۳۱-عراق)»، *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۶، شماره ۴: ۵۹۵-۶۳۱.
- زاهد زاهدانی، سعید (۱۴۰۱)، «نقش پیاده‌روی اربعین در جریان جهانی شدن»، پنجمین همایش بین المللی اربعین در شهریور ماه سال ۱۴۰۱ در دانشگاه علامه طباطبائی.
- سیگال، رابرت (۱۳۹۸) *اسطوره*، ترجمه احمد رضا تقاء، تهران: نشر ماهی.
- سیددی رضوانی، محمد و غلامی، فاطمه (۴۰۱) «ارزیابی برنامه تربیتی پدیده اربعین بر پایۀ تجارب زیسته زائران»، *دوفصلنامه علمی دین و ارتباطات*، سال بیست و نهم، شماره دوم (پیاپی ۶۲): ۱۵۴-۱۸۸.
- شریفی، عنایت (۱۴۰۰) «زیارت اربعین و نقش آن در تربیت فردی و اجتماعی زائر»، *مجله معارف حسینی*، سال ۶ شماره ۲۲: ۷-۲۸.
- عربی، حسینعلی (۱۳۹۸) «پیاده‌روی اربعین: جایگاه‌ها و کارکردها»، *مجله معرفت*، سال ۲۸، شماره ۷، پیاپی ۲۶۲: ۴۵-۵۴.
- غفاری هشتجین، زاهد و آقایی، محمد (۱۳۹۷) «پیاده‌روی اربعین به مثابه جنبش اجتماعی»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی*؛ سال ۱۴، شماره اول. پیاپی ۲۷: ۱-۲۷.

غیاثی فتح آبادی، هادی؛ بروزویی، محمدرضا، نصیری امید (۱۴۰۰) «واکاوی اثرهای مناسک دینی در زیست خانوادگی؛ مورد مطالعه آیین پیاده‌روی زیارت اربعین حسینی»؛ *فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات*؛ شماره ۵۶، سال ۲۳: ۲۱۹-۲۳۹.

غیاثی، هادی؛ بروزویی، محمدرضا؛ نصیری، امید (۱۳۹۹) «دیپلماسی فرهنگی آیین پیاده‌روی زیارت اربعین؛ ابعاد و راهبردها»؛ *دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، دوره ۲، شماره ۷: ۲۲۲-۲۴۷.

فتحی، ابراهیم (۱۴۰۱) «بازنمایی انتظارات و خواسته‌های سیاسی - اجتماعی مشارکت‌کنندگان کشورهای مختلف در راهپیمایی اربعین»؛ *فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی*، سال ۱۱؛ شماره ۳، پیاپی ۲۵: ۱۵۳-۱۷۶.

فوکو، میشل (۱۳۸۵) *تاریخ جنون*. ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: نشر هرمس.

کاسیرر، ارنست (۱۳۷۸) *فلسفه صورتهای سمبلیک*، یدا... موقن، تهران: هرمس.

کریمی قهی، محمد (۱۳۹۹) «فهم تجربه‌ی پیاده‌روی زنان ایرانی در اربعین»؛ *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*، سال ۷۲، شماره ۱۹: ۹۳-۹۹.

گیویان، عبدالله و امین، محسن (۱۳۹۶) «محبت و هویت در آیین نمایش جهانی اربعین: مطالعه ماهیت، کارکردها و ساختار پیاده‌روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی»؛ *دوفصلنامه علمی- پژوهشی دین و ارتباطات*، سال بیست و چهارم، شماره دوم (پیاپی ۵۲): ۱۶۷-۱۹۴.

مانهایم، کارل (۱۳۸۰) *ایدئولوژی و اتوپیا*، فریبرز مجیدی، تهران، سمت.

مربیجی، شمس الله (۱۴۰۱) «تبیین جامعه شناختی زیارت اربعین و کارکردهای آن» *مجله اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۳۸: ۸-۳۲.

مظاهری، محسن (سرپرستار) (۱۳۹۵) *فرهنگ سوگ*؛ تهران: خیمه.

مظاهری. محسن حسام (۱۳۹۶) *پیاده‌روی اربعین: تأملات جامعه شناختی*؛ اصفهان: آرما.

معینی پور، مسعود (۱۳۹۸) *اربعین، جهانی دیگر*؛ تهران: سوره مهر

میرزایی، مهدی؛ حسین زاده و فاطمه و عامری پور، عباس (۱۴۰۲) «روش‌های تربیتی مؤثر در نهادینه‌کردن فرهنگ اربعین حسینی»؛ *مجله معارف حسینی*، سال هشت شماره سی: ۴۵-۵۷.

همیلتون، پیتر (۱۳۸۰) *شناخت و ساختار اجتماعی*، حسن شمس‌آوری، تهران، مرکز.

ورسلی، پیتر (۱۳۷۳) *جامعه‌شناسی مدرن*، حسن پویان، تهران، چاپخس، چاپ اول.

<https://fa.wikipedia.org/wiki/آرمانشهر>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/مانهایم>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/هتروتوپیا>

<https://www.isna.ir/news/1401062619367> تعداد-زائران-اربعین-اعلام-شد